



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲/ اردیبهشت/ ۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۲۴ رجب ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - مقدمات مفوته (غیر از تعلم)

مقام ثبوت: صور سه گانه

جلسه: ۸۹

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در مورد مقدمات مفوته تاره بنابر قول به امکان واجب معلق بحث می کنیم و اخری بنابر قول به استحاله و در صورتی که قائل به استحاله واجب معلق یا عدم وقوع آن باشیم در دو مقام بحث می کنیم یکی مقام ثبوت و دیگری مقام اثبات. در مقام ثبوت عرض کردیم که صوری قابل تصویر است.

صورت اول: جایی بود که قدرت را به عنوان شرط عقلی دخیل بدانیم. یعنی قدرت شرط عقلی واجب باشد ولی دخیل در ملاک واجب نباشد که در این صورت باید این مقدمات اتیان شوند و اگر اتیان نشوند به حکم عقل استحقاق عقاب دارند.

صورت دوم: جایی بود که قدرت شرط شرعی در واجب باشد و هم دخیل در ملاک واجب باشد یعنی در تحقق مصلحت مترتب بر فعل دخالت داشته باشد. خود این بر سه قسم است:

قسم اول: قدرت با تمام انواع و شعبش یعنی قدرت مطلقه شرط و دخیل در ملاک باشد. این صورت، مانند صورتی است که قدرت به عنوان شرط عقلی واجب باشد، یعنی اگر مطلق قدرت به عنوان یک شرط شرعی در واجب دخالت داشته باشد، عقل استقلالاً حکم به قبح ترک مقدمه ای که منجر به ترک واجب شود می کند و لذا از نظر عقل، تارک چنین مقدمه ای که قدرت شرط شرعی آن است به نحو مطلق، مستحق عقاب است.

قسم دوم: قدرت به عنوان شرط شرعی برای واجب باشد ولی قدرت خاصه یعنی قدرت بعد از حصول شرط خاصی مدخلیت داشته باشد. مثل استطاعت که ترک آن هر چند مستلزم ترک واجب در موطن خودش است ولی قبحی ندارد و تحصیل این قدرت لازم نیست. لذا گفتیم تحصیل استطاعت لازم نیست زیرا استطاعت در یک وقت خاص شرطیت دارد و آن چه شرط وجوب حج است استطاعت در یک وقت خاص است. لذا اگر کسی این مقدمه را ترک کند، ولو مستلزم ترک واجب در موطن خودش است به جهتی که بیان شد قبحی در آن نیست. زیرا قبیح، یا مخالفت با تکلیف فعلی است که اینجا فرض این است که تکلیف فعلی نیست یا تفویض غرض ملزم مولا است که این جا فرض این است که چنین اتفاقی صورت نمی گیرد.

نتیجه ای که از قسم دوم حاصل شد این است که مقدماتی مانند استطاعت تحصیلش برای مکلف واجب نیست. حتی مکلف می تواند به نوعی مانع تحقق استطاعت شود؛ البته این غیر از این است که استطاعت حاصل شود و بعد مکلف استطاعت را زائل کند. مثلاً

اگر شخصی به مکلف مالی را هبه کند او با پذیرش این هبه مستطیع می شود و حج بر او واجب می شود و او باید به حج رود ولی او می تواند از پذیرفتن هبه امتناع کند و آن را قبول نکند، هر چند باعث فوت حج از او می شود ولی اشکالی ندارد. زیرا این مقدمه از مقدماتی است که قدرت بر واجب قبل از تحقق شرط معتبر نیست. بلکه قدرت بر واجب بعد از تحقق شرط معتبر است.

قسم سوم

قدرت به عنوان شرط شرعی در واجب اخذ شده است ولی حصه خاصی از قدرت یعنی قدرت در وقت واجب در آن اخذ شده است.

فرق قسم دوم و قسم سوم این است که در قسم دوم قدرت بعد از حصول یک شرط خاصی از شرائط وجوب معتبر است اما در قسم سوم قدرت در وقت واجب معتبر است. هر چند هر دو، قدرت خاصی هستند اما قدرتی که در قسم سوم در واجب معتبر است کاملاً متفاوت است. هر دو خاص هستند اما خصوصیتشان کاملاً فرق می کند. در چنین واجباتی که قدرت در آن ها به عنوان یک حصه خاصه معتبر است یعنی قدرت در وقت واجب، تحصیل چنین مقدماتی بر مکلف، تحصیل قدرت بر واجب از طریق تحصیل مقدمات لازم نیست.

مثال اول: مثلاً نماز ظهر و عصر مشروط به طهارت است. کسی که می خواهد نماز بخواند ابتدا باید وضو بگیرد و بعد نماز بخواند، وجوب وضو نیز بعد از دخول وقت پیدا می شود و تا زمانی که وقت داخل نشده هنوز وجوب وضو تحقق ندارد. حال در نماز با طهارت مائیه در واقع یک قدرت خاص و حصه خاصی از قدرت اعتبار دارد.

واجب عبارت از نماز با وضو است ولی نماز با وضو به عنوان یک واجب متوقف بر این است که شخص قدرت بر تحصیل طهارت مائیه و وضو گرفتن بعد از دخول وقت داشته باشد. قدرت بر طهارت مائیه یک شرط شرعی است، ولی این قدرت زمانی اعتبار دارد که وقت داخل شود و اگر وقت داخل نشده باشد اصلاً شرطیت طهارت معنا ندارد. پس قدرت بر طهارت مائیه در وقت واجب شرط است. و زمانی این لزوم پیدا می کند که وقت داخل شده باشد.

حال اگر کسی هنوز وقت نماز ظهر و عصر فرا نرسیده است اما الان آب دارد آیا بر او لازم است که تحصیل طهارت مائیه قبل از وقت کند که بعد از وقت بتواند نماز بخواند یا خیر؟ تحصیل طهارت مائیه قبل الوقت بر او واجب نیست ولو این که بداند بعد الوقت آب در اختیار ندارد. زیرا قدرت بر طهارت مائیه شرط می باشد ولی شرطیت آن بعد از وقت واجب است.

پس نماز با وضو در صورتی واجب است که مکلف قدرت بر طهارت مائیه داشته باشد آن هم بعد از دخول وقت، اما قبل الوقت بر مکلف تحصیل طهارت مائیه لازم نیست.

هم چنین اگر مکلف طاهر باشد باید آن را حفظ کند تا بتواند بعد از وقت با طهارت مائیه نماز بخواند؟ خیر. زیرا فرض این است که هنوز ملاک آن قبل الوقت محقق نشده است. اگر قدرت بر طهارت مائیه بعد الوقت باقی ماند بر او واجب است که آن را حفظ کند اما اگر بعد از وقت آب نداشت این جا دیگر تحصیل آن بر مکلف واجب نیست. زیرا مکلف در صورتی باید به واجب عمل کند که موضوع وجود داشته باشد و ملاک نیز در فعل باشد. مکلف ملزم نیست که موضوع و ملاک را ایجاد کند. لذا اگر شرایط فراهم بود موضوع فراهم بود و ملاک باقی بود باید آن را اتیان کند، اما بر او لازم نیست که ملاک و موضوع را ایجاد کند.

لذا کسی که قبل الوقت آب در اختیار دارد حتی می تواند این آب را استفاده کند ولو این که اگر وقت داخل شود آب نداشته باشد یا اگر طاهر است می تواند محدث شود زیرا نه حفظ طهارت مائیه به عنوان قدرت شرطیت دارد و نه تحصیل طهارت مائیه لازم است «يجوز تفويت طهارت المائیه قبل الوقت».

سوال:

جواب: تحصیل طهارت مائیه واجب نیست. زیرا اگر نماز با طهارت مائیه بر مکلف واجب است به شرطی است که قدرت بر تحصیل طهارت مائیه داشته باشد. تا زمانی که وقت نماز نرسیده است تکلیف به نماز وجود ندارد و وقتی تکلیف به نماز نباشد، تکلیف به وضو نیز ندارد. لذا اگر کسی وضو را قبل الوقت به نیت نماز بعد الوقت بگیرد وضویش صحیح نیست و باید به قصد طهارت واستحباب وضو بگیرد نه وضوی برای نماز. پس قبل الوقت هنوز وضو بر او واجب نیست. لذا قبل الوقت هنوز وضو برای مکلف واجب نشده و قدرت بر طهارت مائیه برای نماز نیز بعد از دخول الوقت معتبر است و شخص باید قدرت بر وضو به این شرط داشته باشد. حال اگر وقت داخل شد اگر این قدرت بود يجب عليه الصلوة مع الوضو و اگر نبود که هیچ.

برای روشن شدن مطلب مثال های دیگری بیان می کنیم.

مثال دوم: کسی که به سفر می رود يجب عليه القصر فی الصلوة، یا کسی که می خواهد نمازش را در خارج از موطن تمام بخواند باید قصد اقامه و قصد عشره کند (برای نماز یا برای روزه، فرقی نمی کند).

حال اگر قبل از آن که سفر برود آیا نماز قصر بر او واجب است یا خیر؟ قطعاً خیر زیرا ملاک آن موجود نیست. پس دلیلی بر وجوب نماز قصر نیست. یا در مورد وجوب نماز تمام قبل از قصد اقامه.

پس ملاک وجوب قصر با سفر پیدا می شود و ملاک وجوب تمام با قصد اقامه پیدا می شود حال آیا اینجا می توانیم بگوییم لازم است که این شخص به مسافرت برود تا ملاک وجوب قصر را ایجاد کند یا لازم است بماند تا ملاک وجوب تمام را پیدا کند.

آنچه که این جا مهم است این است که ملاک و تکلیف باشد اگر ملاک حکم باشد و خود حکم نیز موجود باشد وضعیت او روشن است اما در جایی که نه تکلیف است و نه ملاک به چه مناسبت این الزام و اجبار را فراهم کند.

سوال:

پاسخ: اگر سفر رفتید باید قصر بخوانید، اینجا نیز می گوید اگر آب بود باید وضو بگیرد. یعنی اگر آب داشتید نماز با وضو اگر آب نداشتید نماز با تیمم. مثلاً اگر کسی در حضر است و سفر نرفته نماز شکسته نمی تواند بخواند.

سوال:

پاسخ: بحث این است که وجوب نماز و ورود به نماز مشروط به این طهارت مائیه است نه این که بلافاصله وقتی وقت داخل شد يجب عليك الوضو اصلاً مقدمیت دارد برای نماز يجب على من اراد اقامه الصلوة ان يتوضأ.

خود وجوب نماز زمانی می آید که وقتش داخل شده باشد ولی این موسع است و هر زمانی که بخواهد اراده نماز خواندن کند آن زمان بحث تقیدش به طهارت مائیه مطرح است.

لذا بحث این است که تا زمانی که سفر محقق نشده ملاک وجوب قصر محقق نشده است و تا زمانی که قصد اقامه نکند ملاک نماز تمام محقق نمی شود.

سوال:

پاسخ: غرض مولا فوت نمی‌شود چون گفته اگر قدرت بر طهارت مائیه داشتید با آب وضو بگیرید و نماز بخوانید اما اگر قدرت بر طهارت مائیه نداشتید با خاک تیمم کنید.

سوال:

پاسخ: قبل از وقت نماز واجب نیست زیرا وقتش نرسیده است. بعد که وقت محقق شد نماز با وضو واجب می‌شود به شرط این که قدرت بر طهارت مائیه در وقت خودش داشته باشید.

سوال:

پاسخ: شرطیت قدرت شرعیه است آن هم در وقت واجب شرط است، یعنی قدرت بر طهارت مائیه در وقت واجب. حال اگر قبل از دخول وقت این قدرت زائل شود یا اختیارا یا سهوا آیا این مکلف گناهی مرتکب شده است؛ خیر زیرا قبل از دخول وقت هیچ ملاکی وجود ندارد.

«الحمد لله رب العالمین»